دریچه

سیاست‌های ناقص‌الاضلاع یا راه‌حل‌های «پزشکی» همه درمان نیست

فرنگیس بیات*

● این روزها اعتیاد به کانون آسیب‌های اجتماعی تبدیل شده است. آسیب‌هایی که نیازمند مداخله سریع دستگاه‌های مسئول و متولیان اجرائی است. اما این مداخله‌ها نمی‌تواند دیگر متکی به تغییر در رویکردها و سیاست‌گذاری‌های مرتبط با آسیب‌ها به‌ویژه اعتیاد باشد. در سال‌های اخیر، صرف‌نظر از آمارهای اعلامی گاه متناقض و متضاد تعداد مصرف‌کننده‌ها، شاهد ظهور «شبکه‌ای» آسیب‌های اجتماعی مرتبط با اعتیاد هستیم. وضعیتی که موجب پیچیده‌ترشدن مسئله و البته مشکل‌ترشدن جست‌وجوی راه‌حل‌های متناسب با آن شده است. پرسش تکراری این روزها، این است که مسئولیت وضعیت به‌وجودآمده درباره مواد مخدر و آسیب‌های فزاینده متصل به آن و از همه مهم‌تر، مسئله افزایش تعداد مصرف‌کنندگان و تغییرات پیاپی الگوهای مصرف، از مواد کم‌خطر در دهه گذشته به مواد پرخطر، از مواد پرخطر به الگوهای چندمصرفی و اخیرا به الگوهای گیاهی مانند حشیش، برعهده چه کسی است؟ چرا سازمان‌های متولی در سال‌های گذشته نتوانستند؛ اولا پیش‌بینی‌های معتبری درباره وضعیت فعلی ارائه دهند و ثانیا چرا سیاست‌گذاری‌هایشان متناسب با رشد این معضلات نبوده است؟

بروز پدیده کارتن‌خوابی، روسپی‌گری خیابانی، فروش کودکان، طلاق‌های مرتبط با اعتیاد، تکدی‌گری، فروپاشی خانواده‌های جوان، بی‌خانمانی، رشد بزهکاری در مناطق حاشیه‌ای، بروز چهره‌های زنانه آسیب و خیابانی‌شدن آسیب‌ها، به این معنا که تظاهرات آسیب در حوزه عمومی به‌راحتی نمایش داده می‌شود، از جمله این آسیب‌های زنجیره‌وار و شبکه‌ای است.

با مروری به سیاست‌گذاری‌های سه دهه اخیر در کشور، می‌توان گفت جهت‌گیری کلی سیاست‌های مخدری در ایران، با شیب مناسبی تغییرات بنیادینی را تجربه کرده است؛ این سیاست‌ها از رویکردهای مقابله‌ای و کیفرمحور نسبت به مصرف‌کننده در فرایند مثبتی به سمت سیاست‌های حمایتی از مصرف‌کننده به عنوان بیمار [یا قربانی] تغییر مسیر داده است. درعین‌حال ایران در بخش مقابله با مواد مخدر یکی از سخت‌گیرانه‌ترین سیاست‌های مقابله‌ای را به اجرا گذاشته است و بزرگ‌ترین کشفیات اوپیوئیدی جهان را در کنار بیشترین هزینه انسانی برای مقابله با قاچاق، به نام خود ثبت کرده است. در کنار کاهش عرضه [مقابله]، ایران موفق شده است یکی از وسیع‌ترین برنامه‌های کاهش آسیب جهان را (حتی به قولی بزرگ‌ترین آنها) در سطح ملی به اجرا بگذارد. برنامه‌هایی که گاهی عنوان بهترین تجربه‌های جهانی را یدک می‌کشند. سیاست‌گذاری‌های مواد مخدری در ایران پدیده ناقص‌الاضلاعی است؛ از آنجایی ناقص‌الاضلاع است که بخش پیشگیری که مقدم‌ترین و مهم‌ترین جزء این استراتژی است، به محاق بی‌توجهی رفته است. ناموزونی ریشه در چند عامل دارد و خود موجب بروز وضعیتی خاص شده است. ناموزونی سیاست‌گذاری مواد مخدر متأثر از نبود «استراتژی ملی مبارزه با مواد مخدر» است. تجربه جهانی نشان می‌دهد، برای تدوین استراتژی کلانی که همه اجزا «کاهش عرضه»، «کاهش تقاضا» و «کاهش آسیب» را در خود داشته باشد، نیازمند همگن کردن اجزای بوروکراتیک و تلاش برای فرموله‌کردن راهکارهایی در سطح ملی هستیم. تنها در چنین وضعیتی است که مرجع ملی مقتدر و خلاق، مسئول تدوین «استراتژی ملی مبارزه با مواد مخدر» دست به تعیین اولویت‌هایی خاص با توجه به وضعیت کشور می‌زند. در فقدان چنین استراتژی کلانی است که وجوهی از سیاست‌های مواد مخدر در دوره‌های مختلف، غلبه پیدا می‌کند و مابقی اضلاع به فراموشی سپرده می‌شود.

در واقع، در نتیجه چنین سیاست‌گذاری‌های ناموزونی، در دوره‌ای سیاست‌های سخت‌گیرانه-مقابله‌ای با نگاه امنیتی غلبه پیدا می‌کند و در دوره‌ای دیگر، همه درمان معضل اعتیاد تنهاوتنها به پزشکان و روان‌شناسان سپرده می‌شود و «پزشکی‌کردن» اعتیاد، محور همه سیاست‌هایی می‌شود که هیچ نگاهی به آینده نداشته و هیچ فکری برای توقف روند افزایشی جامعه مصرف‌کنندگان ندارند.

درباره اعتیاد نیازمند تغییر الگویی [شیفت پارادایمی] در رابطه با سیاست‌گذاری‌های مواد مخدر هستیم. این تغییرات الگویی، باید در جهت تحولات کلان‌تری هدایت شود تا محتوای سیاست‌گذاری را با هدف و توجه ویژه و خاص به ضلع «پیشگیری» قرار بدهد. در واقع پرسش از ناکامی مبارزه با مواد مخدر، باید تبدیل به پرسش کلان دیگری در باب چیستی و چگونگی سیاست‌گذاری برای مبارزه با مواد مخدر در کشور شود.

***مؤسسه مطالعات بین‌المللی مواد مخدر (کادراس)**

تغییرات پرحاشیه در معاونت اجتماعی شهرداری تهران صدای اعتراض شورای شهر را هم بلند کرد

از جمع آوری زباله به جمع آوری معتاد

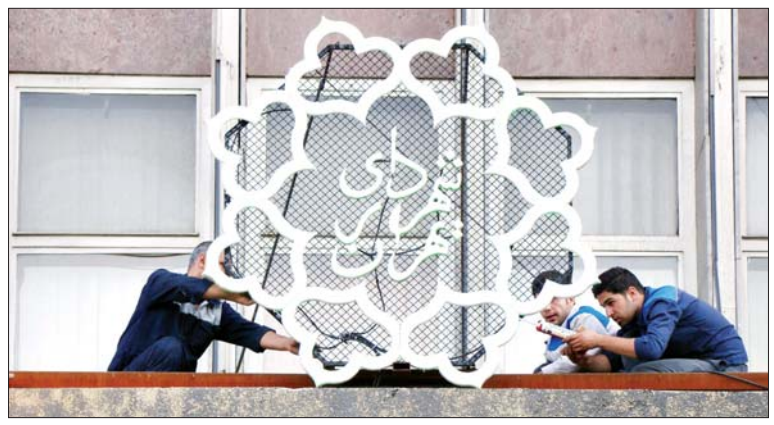

شرق: شهردار تهران در سال آخر دوره ۱۲ ساله مسئولیت خود یکباره دست به تغییرات اساسی معاونانش زد؛ این‌گونه بود که چهار معاونت اصلی خود را که بعضا مثل معاونت حمل‌ونقل حداقل یک دهه بدون تغییر مانده بودند جابه‌جا کرد و در ادامه، معاونانش نیز به تبعیت از این روند دست به تغییراتی گسترده در حوزه کاری خود زدند. به این ترتیب بود که هر معاونی در هر موقعیتی که قرار گرفت، مدیران زیرمجموعه خود را جابه‌جا کرد. دراین‌میان تغییرات معاونت اجتماعی بیش از سایر معاونت‌ها بود و مجتبی عبداللهی که پیش از این معاون خدمات شهری بود، در موقعیت جدید خود، یعنی معاونت اجتماعی نتوانست با مدیران موجود این مجموعه کار کند و ترجیح داد مدیران خودش را که پیش‌تر کارشان مرتبط با حوزه خدمات شهری بود برای مسائل فرهنگی و اجتماعی و هنری به کار گرفته و با خود به معاونت جدید ببرد. این‌گونه بود که رضا قدیمی، مدیرعامل مجموعه‌ای همچون شرکت ساماندهی مشاغل شهر تهران به سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران، رفت. از آن‌طرف فرزاد هوشیارپارسیان که از مجموعه‌ای همچون برج میلاد یک‌باره رئیس سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شده بود و انتقاد زیادی را با این تغییر همراه کرد، نتوانست در این سازمان حساس دوام بیاورد و با عملکردی ناموفق به ستاد گردشگری شهرداری تهران رفت و احتمالا روحیه هوشیار با میز و موقعیت جدید کاری تطابق بیشتری دارد. در مابقی تغییرات که آنها هم سطح بالاتری ندارند و دلیل این تغییرات از این مدیر به مدیران بعدی، گویا و مشخص نیست، عبداللهی، معاون اجتماعی و فرهنگی شهردار تهران، محمد روشنی را که تا چند سال قبل مسئول روابط‌عمومی معاونت خدمات شهری بود و در این یکی، دو سال اخیر به وزارت آموزش‌وپرورش رفته بود جایگزین ابوالفضل رفیع در مسئولیت آموزش شهروندی شهرداری تهران کرد. در تغییر دیگر، علی موسوی‌مقدم که تاکنون در بخشی از ارتباط با رسانه‌های شهرداری تهران، مسئولیت داشت، جایگزین امینی، مدیر روابط‌عمومی معاونت اجتماعی، شد. موسوی‌مقدم براساس اخبار رسانه‌ها، فرزند سیدرمضان موسوی‌مقدم، قائم‌مقام رئیس صداوسیماست. اما گزینه دیگر عبداللهی در جابه‌جایی مدیران، علی شریفی بود؛ از مدیرانی که درباره حضورش در برج میلاد حرف‌وحدیث بسیار بود و در این مدت هم عملکرد او در برج میلاد به‌عنوان مجموعه‌ای پول‌ساز و مستقل از شهرداری نقدهای زیادی به‌خصوص از سوی اعضای شورای شهر تهران متوجه عملکردش شده بود. به‌هرروی شریفی که در روز تودیعش از مدیریت عامل برج میلاد با نشان «شجاعت از طرف انجمن پهلوانان» از این مجموعه خداحافظی کرد، به اداره کل فرهنگی معاونت اجتماعی رفته است. فارغ از چرایی و چگونگی این تغییرات، شواهد نشان می‌دهد که مسئولیت در روابط‌عمومی در مجموعه‌های مرتبط با شهرداری تهران، مرحله‌ای مهم در زمینه ارتقا در ساختار شهرداری است و اغلب کسانی که پیش از این در ساختار شهرداری مدیر روابط‌عمومی بوده‌اند در گام بعدی به مسئولیت‌هایی مهم‌تر و تخصصی‌تر گماشته شده‌اند. از این مدیران دو نفر - محمد روشنی و علی موسوی‌مقدم - پیش‌تر در روابط‌عمومی بخش‌هایی از شهرداری مشغول به کار بوده‌اند. البته تغییر دیگری که به شکلی جداگانه و مستقیم از سوی شهردار تهران انجام شد، حضور علی‌محمد نائینی در مسئولیت قائم‌مقامی معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران بود. او با حکم محمدباقر قالیباف در این مسئولیت قرار گرفت درحالی‌که پیش‌تر کسی در این مسئولیت نبود و معاون فرهنگی و اجتماعی شهردار، به‌عنوان مشاور شهردار هم قرار می‌گرفت. گویا سوابق علمی، تحقیقاتی، رسانه‌ای و دوران دفاع مقدس، نائینی آن‌قدر زیاد و مهم بوده است که خبرگزاری تسنیم، این انتصاب را جداگانه و مفصل پوشش داد.

مدیرعاملش فعلا سمت جدید گرفته...

اما این تغییرات آن‌قدر قابل‌توجه بود که صدای اعتراض اعضای شورای شهر را درآورد. در جلسه علنی روز گذشته شورای شهر تهران در زمانی که علیرضا دبیر توضیحاتی را درباره اساسنامه تیپ سازمان‌های زیرمجموعه شهرداری تهران ارائه می‌کرد، صحبت به اساسنامه سازمان ساماندهی مشاغل شهرداری تهران کشید و چمران با طعنه و شوخی گفت: فعلا که مدیرعاملش مسئولیت جدید گرفته است. دراین‌بین حجت‌الاسلام عبدالمقیم ناصحی، رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورا، عضو اصولگرا و همیشه حامی قالیباف و مجموعه شهرداری است و معمولا درباره چنین موضوعاتی تند واکنش نشان نمی‌دهد، با لحنی آمیخته به عصبانیت گفت: این تغییرات در معاونت فرهنگی جای تعجب دارد و ما گلایه داریم. مهدی چمران هم خیلی جدی در پاسخ به او برای اینکه بحث ادامه پیدا نکند، گفت: درباره این موضوع باید بعدا مفصل صحبت کنیم.

به شهردارنامه می‌نویسم

در همین باره مجتبی شاکری، عضو شورای شهر تهران در کمیسیون فرهنگی، در بیانی کوتاه و اعتراضی در پاسخ به سؤال «شرق» گفت: «هر لحظه تغییرات داریم و این اصلا خوب نیست و کار درستی نبوده است».

حجت‌الاسلام والمسلمین ناصحی هم در پاسخ به «شرق» با اعلام اینکه طبق خواسته خود و به توصیه رئیس شورا، بنا دارم نامه به شهردار بنویسم و اعتراض و گلایه خود را درباره این تغییرات اعلام کنم، گفت: «درست است که به لحاظ اجرائی آنها نسبت به این تغییرات مخیر هستند و شورا نمی‌تواند ورود کند، اما پاسخ‌هایی که به ما داده‌اند قانع‌کننده نیست».وی گفت: «معاونت اجتماعی می‌گوید این افراد مدیران اجرائی خوبی هستند و فرقی نمی‌کند در کجا کار کنند. نمی‌خواهیم بگوییم افرادی که انتخاب شده‌اند ایرادی دارند یا توانمند نیستند؛ چون آشنایی نداریم، اما می‌دانیم افراد قبلی، افرادی توانمند و کارآمد بودند و دلیلی برای تغییر نبود. درعین‌حال دیگر زمانی تا پایان عمر این دوره مدیریت شهری نمانده و تا این افراد بیایند با حوزه عملکردی خود آشنا شوند، دوره تمام شده است».وی با بیان اینکه نامه من به شهردار تهران در جهت گلایه از شهردار و معاونت فرهنگی شهرداری است، گفت: «درست است به لحاظ قانونی نمی‌توانیم دخالتی داشته باشیم؛ اما اخلاق حکم می‌کند و بهتر بود که با ما مشورت می‌کردند. اگر قرار بود ما هم با توجه به اختیاراتمان بگوییم کار را انجام می‌دهیم و به شما ربطی ندارد، کار پیش نمی‌رفت. ما سخاوتمندانه این تعامل را برقرار کرده‌ایم، اما در عوض تعاملی را نمی‌بینیم».

خودم جدا از اعضا با شهردار حرف می‌زنم

اما مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران هم در پاسخ به «شرق» با اعلام اینکه او هم درباره این تغییرات معترض بوده است، گفت: «قرار است با شهردار صحبت کنم، اما اعضا هم باید اقدام کنند و اعتراضشان را بگویند. من خودم جداگانه حتما صحبت می‌کنم؛ چراکه قبل از اینکه اعضا در صحن درباره این موضوع صحبت کنند، خودم معترض بودم و تصمیم داشتم دراین‌باره تذکر بدهم».

همه مدیران همه‌فن‌حریف قالیباف

اهمیت مدیران اجرائی و به قولی همه‌فن‌حریف در کمتر مجموعه‌ای مثل شهرداری مشخص می‌شود. مدیرانی که آنها را در هر موقعیتی قرار دهید، خیلی سریع موقعیت‌یابی کرده و به شکل آن موقعیت و میز و مسئولیت درمی‌آیند. در این موارد یک عبارت تکراری و همیشگی در این سال‌ها گفته می‌شود و آن اینکه «ما سرباز این سیستم هستیم و هر جایی که فرمانده دستور بدهد خدمت می‌کنیم». با این تفسیر، دیگر موضوع تخصص و تحصیلات کنار می‌رود و مسئله تعاملات و ارتباطات و صلاحدیدهای سازمانی و در حالت خوب آن تجربه‌های آن مدیر به میان می‌آید. پازلی که شهردار تهران در ۱۲ سال گذشته تاکنون در تهران و مناطق ۲۲گانه آن چیده است، بازنده و مدیر اخراجی ندارد؛ از این معاونت به معاونتی دیگر، از یک شهرداری منطقه به یک شهرداری منطقه یا اداره کلی دیگر یا گاه حتی از یک منطقه به یک معاونت! با این مدیران همه‌فن‌حریف که می‌توانند یک روز به امورات زباله و موش‌های شهر بپردازند و روز دیگر به امور فرهنگی و اجتماعی و آسیب‌های پایتخت، شهرداری تهران دیگر کمبودی ندارد.

قطع ۱۷۰۰ درخت چیتگر برای اصلاح بصری

شرق: از چند ماه قبل هشدارها درباره خشک‌شدن چند هزار اصله درخت در پارک جنگلی چیتگر، بارها از سوی مسئولان و رسانه‌ها مطرح شد، اما طبق معمول، با سکوت و شانه‌خالی‌کردن مسئولان از پیگیری و پاسخ‌گویی مواجه شد و در نهایت تعداد زیادی از این درختان نه‌تنها خشک شدند، بلکه شهرداری منطقه ۲۲، احساس کرد این درختان جایشان را تنگ کرده و خیلی زود بیش از هزارو ۷۰۰ اصله درخت را قطع کرد.در ادامه اعتراض‌ها به این اتفاق ناگوار، عبدالحسین مختاباد در جلسه غیرعلنی این هفته شورای شهر تهران، به قطع چند هزار اصله درخت از بوستان چندهکتاری چیتگر اشاره کرد و خطاب به شهردار منطقه ۲۲، گفت: شهرداری منطقه ۲۲ چند هزار اصله درخت را به بهانه خشک‌شدگی قطع کرده است و تذکر من این است که این عمل را با چه توجیهی می‌توان پذیرفت. ما چندین بار تذکرات مختلفی در موارد مختلف خطاب به شهرداری منطقه ۲۲ دادیم، اما گویا این تذکرات نادیده گرفته می‌شوند.در ادامه جلسه، بهادر مولایی، شهردار منطقه ۲۲، در توضیحی گفت:تعدادی از درختان بوستان دچار سرمازدگی شده و در ادامه خشک شده اند. با توجه به اینکه این درختان دارای قدمت مشخصی هستند و نیز با توجه به اینکه فضای بصری بوستان ۹۸۰هکتاری چیتگر را تحت الشعاع قرار داده بودند، با استفاده از نظر کارشناسان اقدام به قطع هزارو ۷۰۰ اصله درخت کردیم. مولایی در ادامه با ابراز گلایه از همکاری‌نکردن برخی سازمان‌ها مانند سازمان آب، گفت: در اینجا یک سؤال مطرح است؛ اینکه سازمان آب به چه مجوزی به واسطه پرداخت‌نکردن حق آب، آب چیتگر را قطع می‌کند؟ آیا کسی این سؤال را از سازمان آب پرسیده؟ آیا تنها شهرداری باید پاسخ‌گوی خدمت‌رسانی به مردم باشد؟ این در حالی است که شهرداری میلیاردها تومان از سازمان آب به واسطه حفاری‌هایی که انجام داده یا سازمان برق به واسطه روشنایی‌های که وظیفه آنها بوده و شهرداری انجام داده، طلبکار است. این توضیحات مولایی برای مختاباد پذیرفتنی نبود و گفت: خود شهردار، ابتدای صحبت‌هایش اعلام کرد درختان دچار سرمازدگی شده‌اند بنابراین قطع آب و موارد این‌چنینی نمی‌تواند دخیل باشد. چندی قبل محمد حقانی، رئیس کمیته محیط زیست شورای شهر تهران، گفته بود به علت قطع لوله آب و آبیاری‌نشدن، متأسفانه تعداد زیادی از درختان چیتگر خشک و قطع شدند. وی با اشاره به اختلاف مالی شهرداری با شرکت آب منطقه‌ای، گفت: آب درون لوله‌ها به دلیل این اختلاف، قطع و متأسفانه شهرداری منطقه نیز با آبیاری‌نکردن به‌موقع درختان از طریق تانکر، خشک‌شدن این درختان را تشدید کرد.بر اساس این گزارش، بیش از پنج سال قبل، وقتی قرار بود کلنگ دریاچه چیتگر را قالیباف به زمین بزند، یکی از مهم‌ترین مسائل درباره این پروژه و حواشی آن، تأمین آب برای این دریاچه و فضای اطراف آن بود. حالا با گذشت پنج سال، درحالی‌که این دریاچه طرفدار خود را پیدا کرده و جمعیت زیادی را در شهر به سمت خود جلب می‌کند و مشتری‌های پارک جنگلی چیتگر را چندبرابر کرده است، همان مشکل، یعنی تأمین آب، سر برآورده است. مشکلی که در این موقعیت، به شکلی خاموش با عنوان‌هایی مانند سرمازدگی، آفت، اصلاح بصری یا اختلاف مالی دو مجموعه، جان درختان این پارک جنگلی قدیمی تهران را گرفته و می‌گیرد. فعلا اختلاف مالی و طلب‌های حل‌نشده دولت و شهرداری از حوزه حمل‌ونقل مانند آفتی به جان درختان افتاده و در این مرحله، جان هزارو ۷۰۰ اصله درخت را گرفته است.

ادامه از صفحه ۴

ساز مخالف شاخص کل و شاخص کل هم‌وزن

یکی از دلایلی که باعث شده بازار بیشتر به سمت سهم‌های کوچک تمایل داشته باشد تا سهم‌های بزرگ و شاخص‌ساز، کمبود نقدینگی در گردش فعالان بازار است چراکه تحرک در سهم‌های بزرگ سرمایه سنگینی لازم دارد و البته یک اقبال عمومی که فعلا به هیچ‌کدام امیدی نیست! بنابراین شاهد هجوم توده‌ای پول به تک‌سهم‌های کوچک هستیم که با هدف کسب سودهای کوتاه‌مدت انجام می‌شود. روز گذشته در حالی ارزش معاملات خرد در بورس و فرابورس تنها حدود ۱۵۷میلیارد تومان بود که نقدینگی در اقتصاد کشور فراتر از هزارهزارمیلیارد تومان رفته و باوجود نقش مؤثر و اساسی که بازار سرمایه می‌تواند در تأمین مالی صنایع و بنگاه‌ها ایفا کند، شاهد مشکلات عدیده شرکت‌ها در گروه‌های مختلف برای تأمین مالی برنامه‌های توسعه‌ای و حتی بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود هستیم. در میان گروه‌های بازار، گروه خودرو بار دیگر هجوم ناموفقی را به سمت مقاومت‌های پیش‌رو تجربه کرد، البته دامنه نوسانات این گروه بسیار کاهش یافته و شاید زمینه‌ای برای رشد باشد. گروه انبوه‌سازی نیز بعد از مدت‌ها مورد اقبال قرار گرفت و اکثر شرکت‌ها به صف خرید نیز رسیدند که در پی انتشار اخباری درباره قراردادهای جدید این گروه اتفاق افتاد. رشد شدید ساختمانی‌ها، گروه سیمان را نیز به تحریک واداشت و موجب رشد قیمت‌ها در این گروه شد. بتای منفی گروه قندی با چاشنی خبری مبنی‌بر قیمت تمام‌شده سه‌هزارو ۵۰۰ تومانی واردات شکر باعث شد اکثر نمادهای حاضر در گروه، افزایش قیمت و صف خرید را تجربه کنند.

خبر

جشنواره‌ای برای پل دوستی ایجاد بین گردشگری و محیط زیست

● **شرق:** مدیرکل دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست اعلام کرد: گردشگری پایدار و بوم‌گردی با ملاحظات محیط‌زیستی تقابل ندارد و هم‌راستاست. محمد درویش در نشست خبری نخستین جشنواره «تجربه‌های موفق سمن‌های محیط‌زیستی، گردشگری پایدار و انجمن‌های دانشجویی»، گفت: جشنواره انتخاب مهم‌ترین تجربه‌های سمن‌های حوزه محیط زیست، انجمن‌های دانشجویی و میراث فرهنگی، تلاش می‌کند اتفاقاتی را که در گوشه‌گوشه کشور رخ می‌دهد؛ اما پوشش رسانه‌ای مناسبی ندارد، پوشش دهد و کمک می‌کند توانایی اکولوژیک سرزمین ارتقا پیدا کند و ضمن تقدیر از این اتفاقات، شرایطی را فراهم می‌کند تا بتواند در کارگاه‌هایی این تجربیات را ارائه دهد.وی افزود: اگر گروهی در میاندشت توانسته‌اند تپه‌های ماسه‌ای را مهار کنند؛ یعنی کاری را انجام دادند که دولت به‌تنهایی نتوانست. اگر توانستیم تعداد وحوش در منصورآباد رفسنجان را از ۲۰ به ۷۰۰ حیوان افزایش دهیم، آن هم در دشتی که دشت مُرده نامیده می‌شد و بیشترین نشست زمین را داشته است، با کمک تشکل‌های مردم‌نهاد بوده است. مدیر کل دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست ادامه داد: اگر در منطقه حفاظت‌شده هِلن، خانواده‌هایی که بلوط‌ها را زغال می‌کردند؛ ولی اکنون به صنایع دستی روی آورده‌اند، با کمک سمن‌ها بوده است. ما توانسته‌ایم در اوج شرایط خشک‌سالی که اغلب تالاب‌های ما با شرایط شکننده‌ای روبه‌رو هستند، سه تالاب کانی‌برازان در مهاباد، گندمان در بروجن و کمجان در استان فارس را احیا کنیم. توانسته‌ایم به تنوع زیستی کمک کنیم و مثلا درباره خرس سیاه بلوچی که به خطر افتاده بود، در منطقه باهوکلات آگاه‌سازی کنیم. درویش تصریح کرد: در آغاز برای این جشنواره شاخص‌هایی تعیین و هیأت داورانی مشخص شد و تا ۳۰ شهریورماه فرصتی گذاشتیم که آن را تا ۱۵ مهر تمدید خواهیم کرد و جشنواره در تاریخ ۱۱ آبان ۹۵ با حضور رؤسای سه سازمان برگزار خواهد شد. مدیرکل دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست خاطرنشان کرد: افرادی که در حوزه بوم‌گردی فعالیت می‌کنند، حتما می‌توانند در این جشنواره شرکت کنند و لازم نیست حتما سمن ثبت‌شده‌ای در وزارت کشور داشته باشند و تنها کافی است در قالب یک نهاد حقوقی مشترک، فعالیت‌های خود را به جشنواره ارائه کنند.